



۴ راه عبور از پیچ جنگی
یادداشتی از **حمیدرضا جلالی پور**
درباره شرایط کشور و سناریوهای پیش رو



جنگ سرد جدید؟
ارزیابی تحلیلگران جهانی از چشم انداز همراهی ایران، چین، روسیه و کره شمالی



تغییر رژیم یا تضعیف مادورو؟
تحلیلی از **آرمین منتظری**
درباره شش سناریوی اعمال فشار آمریکا بر ونزوئلا



وفاداری به انتخاب

درباره فیلم «مخمصه» مایکل مان که قرار است دنباله جدید آن ساخته شود



روزنامه

سه شنبه ۶ آبان ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۹۱۷
www.hammihaonline.ir

گزارش سیاست ۳۰۵

نگران ایران

بررسی اظهارات اخیر سید محمد خاتمی در گفت وگو با: محمود صادقی
حسین نورانی نژاد و سعید نورمحمدی



ریشه تفاوت؛ بازگشت به مردم

فارغ از همه محدودیت‌هایی که در چند دهه گذشته برای حضور در عرصه سیاسی و قدرت وجود داشته است، دورویکرد کلی در این دوره عملکرد خود را نشان دادند و کارنامه آنان پیش روی همه است. یکی دولت اصلاحات خاتمی است و دیگری دولت تندرهای اصولگراست. اولی از سال ۷۶ تا ۸۴ و دومی از ۸۴ تا ۹۲ هر کدام به مدت ۸ سال مدیریت امور کشور را عهده‌دار بودند. آقای خاتمی در اظهارات روز گذشته خود مدعی شد که «در پایان دولت اصلاحات در جلسه کارگزاران نظام با رهبری گفتم که ما با توجه به تمام شاخص‌های اقتصادی، در مرحله «تیک‌آف» هستیم تا به تمام اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله برسیم. تمام اعداد و ارقام مربوط به آن دوره وجود دارد. در پایان آن دولت را با رشد اقتصادی ۱۲ درصد و ارز تک‌نرخ تحویل دادم، اما پرسش اینجاست که چرا با وجود آن زمینه‌ی موجود، به اهدافمان نرسیدیم و عقب‌گرد کردیم.» اکنون میان این دو مقطع مقایسه‌ای کوتاه انجام می‌دهیم. در سال ۷۶ و هنگامی که اصلاح‌طلبان آمدند، روابط خارجی بحرانی شده بود. تمام سفرای اروپایی ایران را ترک کرده بودند. اخبار جدی از حمله نظامی به ایران وجود داشت. علت آن انفجارهایی بود که یک پایگاه آمریکایی در عربستان رخ داده بود که نیروهای نزدیک به ایران را متهم کرده بودند. هنگامی که در سال ۸۴ دولت به تندررها رسید، مشکل مهم خارجی وجود نداشت، روابط خیلی خوب بود و حتی آمریکایی‌ها به اشتباهات گذشته خود اذعان می‌کردند. روابط با همه کشورها عادی بود. در دو سال آخر مسئله هسته‌ای مطرح شد که دولت در صدد حل آن بود؛ ولی اصرار تندررها اجازه نداد حل شود هرچند تا پایان دوره خاتمی مشکل خاصی نیز به وجود نیامد. ولی هنگامی که تندررها دولت را در سال ۹۲ به روحانی تحویل دادند، چندین قطعنامه علیه ایران صادر شده بود و زیر بار تحریم همه‌جانبه رفته بودیم. هنگام آمدن خاتمی رشد اقتصادی کاهش یافته و به صفر رسیده بود. مجموع تورم چهار سال پیش از آن در مجموع ۱۹۲ درصد بود. هنگامی که دولت تحویل احمدی‌نژاد شد، تورم چهار ساله پیش از آن به ۷۰ درصد رسید، رشد اقتصادی سالانه ۱۱/۶ درصد بود که از بهترین سال‌های رشد کشور است. در سال ۹۲ دولت احمدی‌نژاد هنگامی تحویل روحانی شد که رشد اقتصادی به منهای دو درصد رسید و تورم ۴ ساله آن ۱۴۰ درصد بود. ارز پیش از آمدن خاتمی چندنرخ و قیمت دلار ۴۸۰ تومان بود، در سال ۸۴ که دولت را تحویل داد، ارز را تک‌نرخ کرد و ۹۰۰ تومان بود. در پایان دوره احمدی‌نژاد در سال ۹۲ دوباره ارز چندنرخ شد و ارز آزاد به ۴ برابر قیمت و ۳۲۰۰ تومان رسیده بود. تنها در دوره خاتمی است که سود سپرده‌های بانکی به نحو ملموسی بیش از سود تسهیلات و به سود مردم بود. اینها بخش اعظم فساد و رانت را از میان برده بود. این موارد در دوره احمدی‌نژاد معکوس شده بود. در حوزه سیاسی و اجتماعی نیز تحولات مثبت بسیار فراوان بود. جامعه‌ای که قتل‌های مشکوک در آن بود و فریادرسی نبود در دولت خاتمی ریشه‌کن شد. بهار مطبوعات شکل گرفت گرچه بعداً با بستن آنها به دست امثال مرتضوی فضای دیگری شکل گرفت ولی در مجموع بهترین دوره فضای آزاد رسانه‌ای و سیاسی و اجتماعی و انتشار آزاد کتاب و... محصول همین دوره است. پاسخگویی دولت چنان بود که همه را منضبط می‌کرد کمترین سطح فساد در این دوره است. شاخص حاکمیت قانون به بالاترین حد خود رسیده بود. اعتراضات سیاسی و اجتماعی یا نبود یا بسیار مدنی و آرام و محدود بود. کوی دانشگاه هم محصول اقدامات تندررها بود و دانشجویان مستقیماً اقدام اولیه را انجام ندادند. این روند آن مقطع را متمایز از دوره قبل و بعد از خود کرد. در دوره بعد بدترین اتفاق در سال ۸۸ رخ داد. فارغ از این که بگوییم مقصر کیست واقعیت این بود که سازوکار حل اختلاف از میان رفته بود، رسانه‌ها به حالت گذشته برگشتند. روابط خارجی به شدت متشنج و بحرانی و در داخل هم اوضاع سیاسی ناامیدکننده شده بود تنش‌های درون ساختاری هم برخلاف تصور حکومت زیاد شده بود. مقایسه دوره اصلاحات با قبل و بعدش در یک سرمقاله نمی‌گنجد ولی ریشه این حد از تفاوت آشکار در کجاست؟ در بازگشت به مردم و احترام گذاشتن به آزادی، علم، عقلانیت، حاکمیت قانون، قانونی متناسب با خواست مردم، پرهیز از اراده‌گرایی پوچ، پرهیز از حذف دیگران، تأکید بر مشارکت عمومی و نخبگان و...



در گفت وگو با شاکی پرونده وکیل متهم تشریح شد:

ناگفته‌های پرونده سوپراستار

الیه محمدی / خبرنگار گروه جامعه: سه‌شنبه، ۲۹ مهر ماه بود که یک خبر، صدر همه خبرها در ایران نشست: «یک بازیگر مشهور به اتهام تجاوز به عنف، بازداشت و به زندان قزل حصار منتقل شده است.» هنوز چند دقیقه از انتشار این خبر نگذشته بود که نام پژمان جمشیدی به عنوان متهم این پرونده در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست چرخید؛ از همان زمان کاربران زیادی در دفاع یارد عمل او صحبت کردند و منتظر ماندند تا مقامات قضایی درباره این موضوع اطلاع‌رسانی کنند. همان روز قوه قضائیه اعلام کرد که یک بازیگر سینمادری شکایت‌شاکي خصوصی با احضار به مرجع قضایی و تفهیم اتهام، بازداشت شد. چهار روز بعد اما علی القاصی‌مهر، رئیس کل دادگستری استان تهران بدون نام‌بردن از این متهم در پاسخ به سوال گفت که قرار بازداشت او نقض شده تا قرار متناسب صادر شود. ساعتی بعد جمشیدی با قرار وثیقه آزاد شد. حالا زن جوانی که شاکی پرونده پژمان جمشیدی است و مادرش، برای نخستین بار جزئیات روند شکایت‌شان از او و اتفاقاتی را که افتاده، براساس مستندات موجود در پرونده، در گفت‌وگو با «هم‌میهن» اعلام کرده‌اند. شاکی پرونده که نمی‌خواهد نام‌اش در گزارش بیاید از روزی می‌گوید که برای امضای قرارداد همکاری با پژمان جمشیدی، از دفترش به خانه او رفته و آنجا مورد تجاوز قرار گرفته است. همچنین یک زن هم در این ماجرا دخیل بوده و شاکی به واسطه اعتماد به او به خانه جمشیدی رفته است. این زن جوان و مادرش می‌گویند همان شب با شکایت و گرفتن دستور قاضی، آزمایش پزشکی قانونی انجام داده و در گزارش این سازمان، تجاوز تأیید شده است. به گفته آنها بعد از اینکه از او شکایت کردند، دوباره دادگاه از پزشکی قانونی استعلام خواست و این بار از جمشیدی هم تست DNA گرفتند و وقتی با آزمایش قبلی تطابق دادند، باز هم تجاوز را تأیید کردند. آنها از همراهی خوب قضات دادگاه بدوی در روند رسیدگی به پرونده می‌گویند و حالا منتظر صدور رأی نهایی‌اند. زن جوان شاکی می‌گوید، بارها از سمت پژمان جمشیدی و اطرافیان‌اش به او پیشنهاد ۵۰ میلیارد تومانی داده شده تا از شکایت خود صرف‌نظر کند، اما قبول نکرده است. **۳۳**

پیگیری حادثه